



مرکز بین‌رشته‌ای حقوق اسلامی

مدرسه علمیه الزهرا (س)

عنوان تحقیق:

نهادهای قوام بخش جامعه در قرآن

استاد:

سرکار خانم امیری

پژوهشگر:

مینا مقدم

بهار ۹۹

مقدمه

خداوند متعال انسان ها را موجوداتی اجتماعی خلق کرده است به همین دلیل پیامبران الهی به سوی افراد جامعه گسیل شدند نه فردی از افراد جامعه ، اجتماع نیز از نهادهای مختلف تشکیل یافته اند ، مثل نهاد خانواده ، نهاد اقتصاد ، نهاد حکومتی و غیره که هر کدام از این نهادها به منزله ریشه درخت جامعه هستند که برای پایداری و تعالی و دوام جامعه ، وجودشان ضروری است. جامعه ، یا جامع افراد است و یا جامع جوامع کوچکتر. هر نهاد و سازمان ، یک جامعه است که جامعه های بزرگ از آنها تشکیل شده است؛ برای نمونه خانواده یک جامعه کوچک است که از اعضا و افراد شکل می گیرد و شهر یا کشوری مانند ایران ، جامع الجوامع است که دارای جامعه ها (نهاد ها و سازمان ها) است. شاهد بر اهمیت و جایگاه نهادهای اجتماعی و نقش آنها در پویایی و تحول جامعه دینی ، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از هجرت به مدینه است که پس از جامعه سازی ، جامعه داری و تشکیل نظام های جامعه مانند نظام خانوادگی ، نظام اقتصادی ، نظام امنیتی و ... در آن انجام گرفت. حال سوال این است کدام یک از نهادها قوام بخش جامعه هستند؟ و این نهادها چگونه می توانند جامعه را قوتام ببخشند با توجه به این که نهادها به منزله اساس جامعه به می روند بنابراین لازم و ضروری است که در مورد نهادهای قوام بخش جامعه مطالبی به رشته تحریر در آید.

مفهوم شناسی

معنای لغوی نهاد

نهاد ، مصدر مرخم و اسم مصدر و ریشه فعل نهادن است . و به معنای گذاشت ، گذاشتن ، مقابل برداشتن است و نویسنده کشف المحجوب در این باره می فرماید: «چون بر سفره نشینند خاموش نباشند و ابتدا به نام خدا کنند و چیزی نکنند از نهاد و برداشت که اصحاب را از آن کراهتی باشد. ^۱ و معین آن را اداء و پرداخت ^۲ معنی کرده است.

^۱ - کشف المحجوب

^۲ - معین

معنای اصطلاحی نهاد

نهاد در اصطلاح، به هر چیزی اطلاق می‌گردد که مورد نیاز جامعه باشد و در مجموع، ساخته، پرداخته و وضع و یا نهاد شده جامعه است. در این معنا، همه مؤسسات، سازمان‌ها و مقررات اجتماعی که بنا بر نیازهای جامعه و برای تأمین حوائج جسمانی و نفسانی افراد به وجود می‌آیند، نهاد نامیده می‌شوند. به این اعتبار، می‌توان گفت، سازمان‌های عمومی یا نیمه عمومی مانند: آموزشگاه‌ها، مدارس و دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس عالی، بیمارستان‌ها، پرورشگاه‌ها، اداره‌های دولتی، سازمان‌ها و مؤسسات ورزشی، مؤسسات تجاری و تفریحی، برنامه، گواهینامه، دانشنامه، مقررات کلاس، مقررات مدرسه، نظام و مقررات اداره راهنمایی و نظایر آن، همه نهاد اجتماعی می‌باشند. اما همان‌طور که می‌دانیم این معنا در زبان فارسی بیشتر با کلمه 'سازمان' بیان می‌شود و طبیعی است که در سازمان، ما با یک هیئت مدیره، بنا، جایگاه، وسایل، اعضاء و افراد، سلسله مراتب، سازمان‌بندی و... سر و کار داریم که برای رسیدن به هدفی قانونی و مجاز گرد هم آمده‌اند^۱.

بعضی از این سازمان‌ها و مؤسسات تا زمانی که جامعه به آنها نیاز دارد یا به عبارت دیگر 'کارکرد' دارند باقی می‌مانند و هنگامی که از کارکرد خویش بازمانند و دیگر به آنها نیازی نباشد از بین می‌روند. گرچه این سازمان‌ها وسایلی هستند که 'نهادها' وظایف خود را به وسیله آنها به انجام رسانده، از آنها کمک می‌گیرند. اما 'نهادها' خصوصیات دیگری دارند که در سازمان کمتر وجود دارد.

نهادهای اجتماعی

نهادها به منزله ریشه درخت جامعه هستند که برای پایداری و تعالی و دوام جامعه، وجودشان ضروری است. جامعه، یا جامع افراد است و یا جامع جوامع کوچکتر. هر نهاد و سازمان، یک جامعه است که جامعه‌های بزرگ از آنها تشکیل شده است؛ برای نمونه خانواده یک جامعه کوچک است که از اعضا و افراد شکل می‌گیرد و شهر یا کشوری مانند ایران، جامع الجوامع است که دارای جامعه‌ها (نهادها و سازمان‌ها) است. شاهد بر اهمیت و جایگاه نهادهای اجتماعی و نقش آنها در پویایی و تحول جامعه دینی، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و

۱- مجله ویستا، ۹۹/۱۱/۲

سلم پس از هجرت به مدینه است که پس از جامعه سازی ، جامعه داری و تشکیل نظام های جامعه مانند نظام خانوادگی ، نظام اقتصادی ، نظام امنیتی و ... در آن انجام گرفت.^۱ شش نهاد اجتماعی در جامعه مطرح است که برخی برای قوام جامعه لازمند و برخی برای دوام جامعه. ممکن است حالت این نهادهای اجتماعی در شرایط تعادل ، متوازن و در شرایط بحران ، ناموزون و در شرایط انقلاب ، تغییر کند؛ ولی اگر هر یک از این پایه ها و نهادهای اجتماعی نباشند ، سقف جامعه فرو می ریزد . مادر همه نهاد های اجتماعی نیز نهاد وقف است که جامع و پاسدار بقیه نهاد هاست.

یکی از اولین وظایف مریستم حکومتی باید تلاش در راستای ایجاد فضایی امن و خالی از دغدغه های مادی و معنوی برای شهروندان خود باشد تا آنان نیز در سایه این امنیت به فعالیت پرداخته و زمینه پیشرفت های گوناگون در عرصه اجتماع خویش را فراهم آورند.

نهادهای قوام بخش جامعه

از میان نهاد های اجتماعی شش گانه ، سه نهاد ، سبب قوام و پایداری جامعه می شوند : نهاد اقتصاد ، نهاد حقوق و نهاد حکومت و سیاست که در ادامه هریک به ترتیب بررسی می شوند:

نهاد اقتصاد

نخستین نهاد قوام بخش جامعه ، نهاد اقتصاد است ؛ چنانکه خداوند مال را سبب قوام زندگی انسان ها دانسته و می فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...»^۲ « اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده ، بدست سفیهان نسپارید » جامعه شناسی اقتصادی ، به معنی بررسی جامعه از نظر مالی و توان اقتصادی است ؛ مانند طبقه بندی جامعه به طبقه مرفه و متوسط و فقیر ، یا تقسیم جامعه به جامعه صنعتی و کارگری ، یا جامعه شناسی تولید کنندگان و مصرف کنندگان و توزیع کنندگان .قرآن کریم ، تعابیر گوناگونی برای جامعه ایمانی از زاویه توان اقتصادی به کار برده است که دلالت بر اهمیت جایگاه جامعه شناسی اقتصادی دارد که به دو نمونه از آن اشاره می شود.خداوند متعال در مورد اغنیاء می فرماید: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»^۳ «آنچه را خداوند از اهل این آبادی ها به رسولش باز گرداند ، از آن خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم و خویشاوندان او و یتیمان

۱- الهی زاده ، محمد حسین ، تاسیس تمدن و حیانی ، چ ۱ ، ناشر: مشهد آستان قدس رضوی ، ۱۳۹۵ ، ص ۶۵

۲- نساء / ۵

۳- حشر / ۷

۴- مرضی -محتم -مقاله جایگاه امنیت اجتماعی در قرآن - نشریه سروش کیهان آذر ۹۸

و مستمندان و در راه ماندگان است ، تا این اموال عظیم در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد.» و همچنین در مورد فقراء می فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»^۱ «انفاق شما ، برای نیازمندی باشد که در راه خدا ، در تنگنا قرار گرفته اند» هدف از بررسی جامعه در دو گروه فقیر و غنی ، پیشگیری از شکاف طبقاتی بین فقراء و اغنیاء ، کمتر شدن قشر آسیب پذیر و ثروتمند و بیشتر شدن گروه متوسط است ؛ زیرا هرگاه این نسبت تغییر کند ، جامعه خود به خود می شکند؛ برای نمونه ، کشور فرانسه هر ساله در ایام سال نو ، با این مشکل مواجه است که عده ای از مردم آن ، سال نو دارند و عده ای به سبب مشکلات مالی و اقتصادی سال نو ندارند، این فاصله و تفاوت میان مردم ، آسیب های فراوانی به دنبال دارد و امنیت اجتماعی را به خطر می اندازد در این جا اهمیت انفاق آشکار می شود؛ انفاق از «نفقه» به معنای چاله و سوراخ است ؛ پر کردن چاله ها و شکاف های طبقاتی و پیشگیری از فقر و چالش های اقتصادی ، با انفاق محقق می شود

جایگاه تربیت اقتصادی در تعلیم و تربیت اسلامی

با این که تربیت همواره یکی از دغدغه ها و مسائل دانشمندان و علمای مسلمان بوده است ولی هنوز تعریف واحدی از این مفهوم انجام نشده و شاید دلیل آن پیچیدگی و چند وجهی بودن آن است استاد شهید مطهری رحمت الله تربیت را عبارت از فراهم آوردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعداد های درونی که بالقوه در یک موجود وجود دارد ، می دانند.^۲ لذا تربیت باید تابع و پیرو فطرت ، طبیعت یا سرشت آن موجود باشد که در مورد انسان استعدادهای هریک از ابعاد وجودی انسانی «جسم و روح» باید به صورت هماهنگ و همه جانبه رشد یافته و شکوفا گردد.^۳ نزدیک به این دو نیز شریعتمداری تربیت را جریانی می داند به طور مستمر در جهت رشد همه جانبه فرد و شکوفا ساختن استعدادهای او قرار دارد.^۴ در مجموع می توان با توجه به عناصر مشترک تعاریف فوق ، تربیت در نگرش اسلامی را تمهید شرایط و زمینه های لازم برای حرکت انسان در مسیر رشد و تکامل انسانی و قرب الی الله دانست.^۵

نهاد حقوق

حقوق و قوانین ، عامل قوام و برپایی یک جامعه است ؛ چنانکه خداوند ، «قسط» به معنای قانون عادلانه را ابزار برپایی جامعه بر شمرده و می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ

^۱ - بقره ۲۷۳

^۲ - مطهری ، مرتضی ، احیاء تفکر اسلامی ، ناشر : تهران انتشارات صدرا ، ص ۵۶

^۳ - همان ، انسان کامل ، تهران انتشارات صدرا ، ص ۳۷

^۴ - شریعتمداری ، علی ، اصول تعلیم و تربیت ، تهران ، انتشارات امیر کبیر ، ص ۶۳

^۵ - طغیانی ، مهدی ، تعلیم و تربیت اقتصادی ، چ ۱ ، ۱۳۹۵ ، ناشر : دانشگاه امام صادق علیه السلام ، ص ۱۹۱

حقوق قضایی، حقوق جزایی، حقوق بین الملل، حقوق اقتصادی، و حقوق مدنی (نظیر حقوق خانواده)، می شود، و بنابراین همه نهادهای اجتماعی را در خود می گنجاند و بر آنها اشراف و تسلط دارد.

اینک وقت آن است که بینیم کدام یک از نهادهای پنج گانه «خانواده»، «اقتصاد»، «آموزش و پرورش»، «حقوق» و «حکومت» نسبت به سایرین، اولویت، تقدم و اصالت دارد.

تعلیم و تربیت، مهم ترین نهاد اجتماعی

در باب اینکه تأثیر کدام یک از نهادهای اجتماعی در بقا و استكمال جامعه بیشتر است،

مکتب های جامعه شناختی و جامعه شناسان مختلف، رأی های گونه گون آورده اند. یکی از این آراء، از آن مکتب مارکس است که به موجب آن، نهاد اقتصاد دارای تأثیر اساسی در جامعه است و در حکم زیربنایی است که سایر نهادها، روبناهای آن و تابع هایی از تغییرات آن اند.^۱

به عقیده ما، اگر باید یکی از نهادها به مثابه مهم ترین نهاد معرفی شود، آن نهاد همانا نهاد تعلیم و تربیت است؛ زیرا:

۱- زندگی بشر فقط زمانی از حد «حیوانیت» فراتر خواهد رفت و به صفت «انسانی» متصف خواهد شد، که براساس تعقل و شناخت های عقلانی بنا شود. زندگی ای که بر پایه غرایز حیوانی مبتنی باشد، انسانی نخواهد بود؛ و شک نیست که تنها نهادی که مستقیماً و بی واسطه با تعقل و ادراکات عقلی انسان ها سروکار دارد، نهاد آموزش و پرورش است. فقط همین نهاد است که می تواند آدمیان را رشد فکری و فرهنگی دهد؛

۲- برخلاف آنچه اغلب متفکران علوم اجتماعی و جامعه شناسان می پندارند، هدف اعلای زندگی اجتماعی، برآورده شدن نیازهای بدنی و مادی و تأمین منافع و مصالح دنیوی انسان ها نیست، و بنابراین نباید در مقام ارزیابی نهادها و تعیین درجه اهمیت هریک از آنها، فقط به تأثیری چشم دوخت که هر نهادی در زمینه رفع حوایج مادی و دنیوی دارد؛ و این کاری است که بیشتر متفکران علوم اجتماعی می کنند و حتی دین را، که به زعم آنان یکی از نهادهای اجتماعی است، برای حفظ یا افزایش هم بستگی اجتماعی و رسمیت بخشیدن به وقایع مهم شخصی یا برای تثبیت مناسبات اجتماعی می خواهند. درواقع غایت قصوای زندگی اجتماعی، استكمال روحی و معنوی هرچه بیشتر یکایک افراد بشر است که از راه خداشناسی، خداپرستی، کسب رضای خدای متعالی، و تقرب به او حاصل می آید. به عبارت دیگر، زندگی اجتماعی و رفع نیازمندی های مادی و دنیوی، همه مقدمه ای باید باشد برای اینکه هم شمار هرچه بیشتری از آدمیان، خداپرست شوند و هم خداپرستان در مسیر خداپرستی، پیشرفت هرچه افزون تری بیابند. در آیه ۵۵ سوره نور می خوانیم:

^۱ شریعتمداری، علی، اصول تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیر کبیر، ص ۶۳

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ «خدای متعالی، کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که یقیناً در روی زمین جانشینشان کند؛ چنان‌که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین کرد، و آیین‌شان را که برایشان پسندیده است به سودشان استقرار دهد و از پی ترسشان، آرامشی جای‌گزین کند تا مرا پرستند و چیزی را با من شریک ندانند» که دال بر این است که حکومت، استقرار دین، و نظم و امنیت و آرامش، همه مقدمه است برای توسعه و تعمیق کمی و کیفی خداپرستی و ایمان و توحید. پس، باید نهادهای اجتماعی را از چهارچوب تنگ مادیت و نیازدگی بیرون آورد و از نو ارزیابی و مقایسه کرد. این سنجش مجدد، که از نظرگاه معنوی صورت می‌گیرد، نهاد آموزش و پرورش را راجحان می‌دهد، قدر می‌نهد، و بر صدر می‌نشانند؛ زیرا فراهم آمدن زمینه رشد و استكمال معنوی و باطنی آدمیان بیش از هر چیز و پیش از هر چیز، مرهون این نهاد است، نه هیچ نهاد دیگری. نهاد آموزش و پرورش است که آرا و عقاید هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی صحیح را به مردم تعلیم می‌کند و آنان را بر طبق ارزش‌های پسندیده اخلاقی و حقوقی پرورش می‌دهد و بدین طریق، خداپرستی و استكمال معنوی انسان‌ها را گسترش می‌دهد و ژرفا می‌بخشد؛

با نهاد آموزش و پرورش می‌توان سایر نهادها را تثبیت، یا تحکیم و تقویت، یا اصلاح کرد و جامعه را به هدف‌های متوسطه و هدف عالی‌اش نزدیک‌تر ساخت. به همین جهت، اگر تعلیم و تربیت جامعه‌ای صورت صحیح نداشته باشد، دیر یا زود سایر نهادها دستخوش بی‌نظمی و اختلال می‌شوند و همه امور و شئون زندگی اجتماعی در معرض خطر فساد و نابودی قرار می‌گیرند.^۱

آگاهانیدن مردم از احکام و قوانین اجتماعی و حقوقی، و تشویق و ترغیب آنان به پیروی از قوانین و مقررات، و همکاری با سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی و دولتی توسط آموزش و پرورش امکان‌پذیر می‌گردد.

بدین سان تبیین و توجیه این امر که خدای متعالی، وظیفه پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) را در تلاوت آیات الهی بر انسان‌ها و تزکیه آنان و تعلیم کتاب و حکمت به آنان، یعنی در تعلیم و تربیت خلاصه می‌فرماید، آسان‌تر می‌گردد (ر.ک: بقره، 129 و 151؛ آل عمران، 164؛ جمعه، 2). تعلیم و تربیت است که انسان‌ها را از هدف اعلای زندگی فردی و اجتماعی می‌آگاهاند و آنان را چنان می‌پرورد که در مسیری که به آن هدف منتهی می‌شود، گام نهند و شتاب گیرند. شاید نهادها - خانواده، اقتصاد، حقوق، و حکومت - چیزی جز مقدمه و وسیله‌ای نیستند که زمینه‌ساز سیر و سلوک معنوی آدمیان توانند بود.^۲

^۱ طغیانی، مهدی، تعلیم و تربیت اقتصادی، ج ۱، ۱۳۹۵، ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ص ۱۹۱

^۲ شریعت‌مداری، علی، اصول تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیر کبیر، ص ۶۳

نتیجه گیری :

نتیجه عملی که از این سخنان می توان گرفت، این است که قدم اول در بهبود بخشیدن به اوضاع و احوال مختلف یک جامعه نابسامان و بی تعادل و فاسد، اصلاح نظام تعلیم و تربیت آن است؛ چنان که نخستین گام در به تباهی کشاندن یک جامعه، فاسد ساختن نظام آموزش و پرورش است.

بررسی ها و پژوهش های تاریخی در باب علل ترقی و انحطاط جامعه ها به خوبی گواه و صدق این مدعا است. مطالعه و تحقیق در تاریخ کشورهای اسلامی، از جمله کشور اندلس (اسپانیای فعلی)، نشان می دهد که دشمنان عزت و شوکت و سعادت مسلمین، برای اینکه آزادی و استقلال امت اسلام را نابود سازند و این امت را وابسته و طفیلی خود کنند، قبل از هر چیز در سد استوار و محکم فرهنگ آن، رخنه ها کردند و پس از آنکه فرهنگ و نظام آموزش و پرورش آن را موافق با اهداف و مقاصد خود، دگرگون ساختند، با سهولت و سرعت هر چه تمام تر به نیت شوم خود جامعه عمل پوشاندند و مسلمین را به تباهی و سقوط کشاندند. باین حال، آیا وقت آن نرسیده است که کسانی که به راستی در پی اصلاح اوضاع و احوال جامعه خود هستند به اصلاح تعلیم و تربیت افراد جامعه بیش از هر کار دیگری اهتمام کنند و فریب این نظریه مارکسی را نخورند که نهاد اقتصادی را اصل، و سایر نهادها را فروع و توابع آن می پندارد و بهبود وضع اقتصادی و معیشتی مردم را سبب و زمینه ساز بهبود همه ابعاد و وجوه زندگی آنان می انگارد؟ در واقع نه با اصلاح وضع اقتصادی و معیشتی، سایر اوضاع و احوال حیات بشر خود به خود بهبود می یابد، و نه کار مصلح اجتماعی باید از امر اقتصاد شروع شود، و نه بیشترین فعالیت های اصلاح گرانه باید متوجه زمینه های اقتصادی گردد. هر چه را مکتب مارکس در باب اولویت، تقدم، و اصالت نهاد اقتصاد می گوید، باید بعینه درباره نهاد آموزش و پرورش گفت.

این سخنان را البته نباید به این معنا گرفت که کسانی که در صدد اصلاح جامعه و زندگی اجتماعی افرادند، باید در آغاز، مدتی کمابیش طولانی را به امور و شئون فرهنگی اختصاص دهند و دیگر امور و شئون را به دست غفلت و نسیان بسپارند. در هیچ مرحله ای، تمرکز همه قوا و فعالیت ها در زمینه تعلیم و تربیت مقرون به مصلحت نیست و آثار و نتایج مطلوب نخواهد داشت، زیرا مردمی که در حد و مقدار ضروری مایحتاج زندگی نیز محروم اند، آمادگی لازم برای پذیرش تعلیم و تربیتی را نخواهند داشت.

در عین حال که واقعیت مذکور را انکار نمی کنیم، بر اولویت، تقدم، و اصالت تعلیم و تربیت تأکید داریم. جامعه ای که از تعلیم و تربیت صحیح به اندازه کافی برخوردار نشده باشد، حتی اگر به فرض، همه مسائل و مشکلات اقتصادی و معیشتی اش حل و رفع شده باشد، مصون نیست از اینکه گمراه شود، به کژراهه رود، از نیل به سعادت محروم بماند، و مثلاً خصیصه «اسلامی بودن» خود را از دست بدهد. به عبارت دیگر، داشتن بهترین نظام اقتصادی به معنای داشتن بهترین و سعادتمندترین جامعه نیست، علی الخصوص با توجه به این حقیقت که رفع نیازهای مادی و دنیوی،

خود، مقتضی طغیان انسان و اعراض او از حق و حقیقت است، و تعمیم تنعم و ثروت غالباً جز به عمومیت سرکشی و روی گردانی از حق و حقیقت نمی‌انجامد.

از این مطلب اخیر نتیجه‌گیری نشود که باید افراد جامعه را در حال فقر و محرومیت نگه داشت تا توجه و اقبالشان به خدای متعالی کاستی نپذیرد. خدای متعالی هرگز از ما نخواسته است که آدمیان را در نیازمندی و تهی‌دستی‌شان رها کنیم، هر چند به مقتضای تدبیر حکیمانه خود، گاهی مردم را به مشکلات و شداید و بلاها و محنت‌هایی گرفتار می‌سازد تا شاید این داروهای تلخ، بیماری‌های روحی و باطنی آنان را شفا دهد.

خدای متعالی، ما را مأمور به مبارزه با فقر و محرومیت انسان‌ها ساخته است، ولی این تکلیف الهی نباید موجب این توهم شود که تنها مسئله و مشکل بشری همین فقر اقتصادی و محرومیت مالی است یا حل و رفع این مسئله و مشکل سبب حل و رفع خودبه‌خود سایر مسائل و مشکلات خواهد بود. باید هم‌زمان با مبارزه با فقر و محرومیت و اختلافات فاحش و ظالمانه طبقاتی، به تعلیم و تربیت صحیح مردم اهتمام وافر داشت، بطلان آرا و عقاید هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی نادرست آنان را اثبات کرد، آرا و عقاید درست را به آنان آموخت، بر قدرت تفکر و تأملشان افزود، نظام ارزشی و اخلاقی صحیح را در میان‌شان ترویج و اشاعه داد، و آنان را برون‌فوق آن تربیت کرد تا پیشرفت مادی و ظاهری‌شان با استکمال معنوی و باطنی توأم و همراه گردد، نه اینکه رفاه و تنعمشان موجب غرور و طغیان شود و آنان را به وادی حیوانیت فرو افکند.

پس، نهاد آموزش و پرورش در جامعه اسلامی، وظیفه‌ای بسیار خطرتر، مهم‌تر، و سنگین‌تر از نهاد آموزش و پرورش در دیگر جوامع دارد که یا به دین التفاتی ندارند، یا آن را نهادی در کنار نهادهای دیگر می‌دانند و قلمروی آن را جدا از قلمروهای خانواده، اقتصاد، حقوق و حکومت می‌انگارند. ناگفته پیداست که مقصود از نهاد آموزش و پرورش، تنها آن کاری نیست که سازمان‌ها و مؤسساتی از قبیل کودکان‌ها، دبستان‌ها، مدارس راهنمایی، دبیرستان‌ها، و دانشگاه‌ها برعهده دارند، بلکه هر گونه فعالیتی درباره تعلیم و تربیت و فرهنگ جامعه را، در برمی‌گیرد.

بنابراین کارهایی که رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجلات، کتب و رسایل سینما، تئاتر، خطبه‌های نماز جمعه، آداب و مراسم، شعائر و مناسک دینی و مذهبی، سخنرانی‌ها، تظاهرات سیاسی، فعالیت‌های هنری، و... انجام می‌دهند، همه در چهارچوب آموزش و پرورش می‌گنجند.

منابع:

- گلشن فومنی، محمد رسول؛ جامعه‌شناسی سازمان‌ها و توان سازمانی، تهران، دوران، ۱۳۹۴، ص ۱۱.
- سازگارا، پروین؛ نگاهی به جامعه‌شناسی با تأکید بر فرهنگ، تهران، کویر، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۵۰ و ۵۱.
- شایان‌مهر، علیرضا؛ دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۹۸.
- کشف‌المحجوب
- معین
- مطهری، مرتضی، احیاء تفکر اسلامی، ناشر: تهران انتشارات صدرا، ص ۵۶
- شریعت‌مداری، علی، اصول تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیر کبیر، ص ۶۳
- طغیانی، مهدی، تعلیم و تربیت اقتصادی، چ ۱، ۱۳۹۵، ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ص ۱۹۱
- الهی زاده، محمد حسین، درس‌نامه تربیت سیاسی، چاپ اول، ناشر: تدبر در قرآن و سیره، ص ۲۵۳-۲۵۴
- مرضی -محتشم -مقاله جایگاه امنیت اجتماعی در قرآن - نشریه سروش کیهان آذر ۹۸